

# کمونیست

کمونیست - شماره ۱۱ (سال پنجم)

سازمان انتشارات کمونیست (م - ج ل)

آذر ۱۳۵۳

## ارتجاع ایران در پی مقاصدی شوم و بدخواهانه

سفر در هفته‌های اخیر محمدرضاشاه و ملکانش به یک ردیف کشورهای حاشیه شمالی اقیانوس هند - هند، بنگالور، اندونزی، استرالیا و ژلاند نو - تبلیغات جهان دولت ایران را به جستجو خیزهای تازه‌ای واداشته است. خوراک اصلی این تبلیغات تازه که دولت دربار ایران میکوشد از آن معرکهای بیخ خود برساند، طرح پیشنهادی نیاقتیاسیت مبتنی بر تشکیل یک دسته بندی جدید از کشورهای حاشیه شمالی اقیانوس هند، که بدست محمدرضاشاه در میان کشورهای نامبرده گردانده شده است - دسته بندی جدید که قرار است باصطلاح یک نوع "بازار مشترک" یا "کشورهای مشترک المنافع" حوزه اقیانوس هند باشد و برای پیشنهاد باصطلاح "هنگامه‌های اقتصادی" در این بخش از جهان و برای باصطلاح "تضمین صلح وثبات" و "امنیت" اقیانوس هند معرفی شده است. در این باره شاه در سخنرانی اخیر خود در کالج سنا گفت: "تصد این است که در حوزه شمالی اقیانوس هند و از ایران گرفته تا استرالیا، یک منطقه تفاهم اقتصادی که طبعاً دنباله سیاسی نیز خواهد داشت، بوجود آید که هدف آن بهبود بخشیدن زندگی عموم ملل این منطقه و فراهم آوردن وسائل امنیت و رفاه آن، و نیز تحقق یک نوع مسئولیت‌دسته جمعی است که بتواند این منطقه را از حضور نظامی ممالک خارج از منطقی بی‌نیاز سازد. چه دسیسه‌های تازه دیگری در پس این طرح‌های رنگارنگ در حال تکوین است؟ سفر طول و دراز شاه به چه مقاصدی میخواهد خدمت کند؟ مسئله را در دو جنبه اقتصادی و سیاسی - نظامی آن بشکافیم:

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

حالا در گذر چنین جریانی است که عنوان "نیاز" - یوزاری کبرادر و دلال دولت متوشتیان را در ایران به "بازار ۱۰ میلیارد دلاری" به دست بازار در اطراف و کنترش روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای همسایه و بندرت دورتر فرمید و در نتیجه فواید که دست‌های اغراض اقتصادی و بازرگانی ایران که ابتدا به قصد کشورهای خلیج و بندرت به قصد کشورهای آسیای و افریقای بیابانی باروشد می‌شدند، و همچنین دست‌سازهای اخیر شاه، از لحاظ اقتصادی، یکجا وصل است و برای چه چیز و برای چه نیروهایی یاد و می‌شود. حالا میتوان در پس طرح کدائی محمد رضا شاه مبتنی بر تشکیل "بازار مشترک" آسیای و خیز گرفتن یوزوزاری امپریالیست‌ها مشاهده کرد.

## درآمد نفت در خدمت امپریالیسم

دار و دسته شاه تمام درآمد نفتی را که به کسریه‌یوم فروخته است دوباره تحویل کشورهای امپریالیستی داده و یا به تویپ و تانک تبدیل میکند. از ۲۰ میلیارد دلار درآمد نفتی، حدود ۱۰ میلیارد دلار آن را به متوشتیان گوناگون به امپریالیستهای آمریکائی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و ایتالیائی تحویل داده، ۳-۴ میلیارد دلار آنرا به عنوان "کک" به دولتهای مترجم و ستوری چون هند، بنگالور، پاکستان، افغانستان و غیره سپرده و بقیه را هم برای خریدهای جدید اسلحه و تجهیزات نظامی از طریق "پنتاگون" (ستاد جنگ افروزی آمریکا) کارگزاران ناپروای پیشبرد منافع امپریالیستهای آمریکائی در خلیج فارس و آسیا و جنگ و تجاوز خود را تا دندان مسلح کند. این صبه بزرگ دیگری است که پس از تعدید خائنانه قرارداد کسریه‌یوم بدست ۲۰ سال بر مردم ما وارد میشود.

بازگشت دلارهای نفت از ایران به سایر کشورها بیست‌انزده ماهه مسرت امپریالیسم شده است. چه در این وضع وخیم بحرانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب این بزرگترین مددی بود که امپریالیستها بقیه در صفحه ۱

بازگشت دلارهای نفت از ایران به سایر کشورها بیست‌انزده ماهه مسرت امپریالیسم شده است. چه در این وضع وخیم بحرانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب این بزرگترین مددی بود که امپریالیستها بقیه در صفحه ۱

بازگشت دلارهای نفت از ایران به سایر کشورها بیست‌انزده ماهه مسرت امپریالیسم شده است. چه در این وضع وخیم بحرانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب این بزرگترین مددی بود که امپریالیستها بقیه در صفحه ۱

بازگشت دلارهای نفت از ایران به سایر کشورها بیست‌انزده ماهه مسرت امپریالیسم شده است. چه در این وضع وخیم بحرانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب این بزرگترین مددی بود که امپریالیستها بقیه در صفحه ۱

بازگشت دلارهای نفت از ایران به سایر کشورها بیست‌انزده ماهه مسرت امپریالیسم شده است. چه در این وضع وخیم بحرانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب این بزرگترین مددی بود که امپریالیستها بقیه در صفحه ۱

بازگشت دلارهای نفت از ایران به سایر کشورها بیست‌انزده ماهه مسرت امپریالیسم شده است. چه در این وضع وخیم بحرانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب این بزرگترین مددی بود که امپریالیستها بقیه در صفحه ۱

بازگشت دلارهای نفت از ایران به سایر کشورها بیست‌انزده ماهه مسرت امپریالیسم شده است. چه در این وضع وخیم بحرانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب این بزرگترین مددی بود که امپریالیستها بقیه در صفحه ۱

بازگشت دلارهای نفت از ایران به سایر کشورها بیست‌انزده ماهه مسرت امپریالیسم شده است. چه در این وضع وخیم بحرانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب این بزرگترین مددی بود که امپریالیستها بقیه در صفحه ۱

بازگشت دلارهای نفت از ایران به سایر کشورها بیست‌انزده ماهه مسرت امپریالیسم شده است. چه در این وضع وخیم بحرانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب این بزرگترین مددی بود که امپریالیستها بقیه در صفحه ۱

## مدافعان بردگی امپریالیستی

از هنگامیکه روزیونینتهای وادانه و حزب توده رنگ انقلابیگری بر خود زده‌اند و در زیر نقاب "سرتکون یاد رژیم شاه" با میدان گذارنده وسیله دشنام و افترا و جعلیات گوناگون است که نتایج کمونیست‌های ایران میشود. حالا دیگر روزیونینتهای خود را بعنوان "قهرمانان مبارزه با رژیم شاه و امپریالیسم در ایران قلندار کرده و کمونیست‌های ایران یا بقل خودشان "ماتوشتیست‌ها" را نه دیگر بعنوان "چپ‌رو" و "چپ‌نما" هائی که جنبه‌های مثبت و "شرقی" رژیم را می‌بینند، بلکه بعنوان "پست‌نیستانان رژیم شاه" و "هنگاران امپریالیسم" و غیره معرفی میکنند.

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

ولی روزیونینست‌ها هر رنگی بخود بزنند و بپهر مانسور و تاکنیک رنگارنگ‌های برای انحراف آن‌ها ن عمومی مردم و کوبیدن کمونیسم بقیه در صفحه ۸

## در اوج رذالت

هم اکنون... میلیون نفر از مردم دنیا در هند و بنگالور، در برزیل و مالتی، کامبیا، چاد، بنگال، نیجور، حشمت، موریتانیا و بسیاری از کشورهای دیگر در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در کرسنگی کامل و در شرف بیکسیر میرند. از این تعداد، بنا به اعتراف مطبوعات غرب، هفته‌های بیش از ۱۰۰۰ نفر می‌میرند. توده‌های گرسنه در حشمت، یابندند، هند، بنگال و در غیره، بارها برای حمله بانبارهای غله و برای بدست آوردن نان، به طغیان آمده‌اند. علت کرسنگی مردم رانی که بسر وقت میلیونها نفر از مردم جهان آمده، ظریغ تبلیغات بیشرمانه مطبوعات یوزوزوانی و روزیونینستی و افزایش بیش از حد تعداد جمعیت و یا کاهش اتفاقی برداشت محصول نیست. علت آن سالیها غارت امپریالیستی از خلیجهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. علت آن عقب‌تکد داشتن عدی کشاورزی این کشورها توسط امپریالیستهای آمریکائی، انگلیسی، آلمانی، ژاپنی، شوروی و فرانسوی و غیره است که با تکیه بر حکومتهای ارتجاعی و خود فروخته این کشورها سالیها به غارت مردم برداشته‌اند. علت آن "چپ‌اول" و دوشیدن مردم توسط سرمایه داران و مالکان، پادشاهان و اعیان و انصار آنهاست که بر این کشورها حکومت کرده و روزگار سیاهی را برای مردم آورده‌اند. علت آن بالا بردن عدی قیمت‌ها و احتکار غله توسط سرمایه داران، مالکان و انحصارات امپریالیستی است. علت آن ولخرجیها و لهو و لعب‌های مشتی انگل فاسد و غارتگر است که سرمایه‌های مردم را بیاد میدهند و کاههای سر به فلک کشیده و مشتی شکم‌های نا خلق بر شدت‌هایست که حساب کرسنگی مردم در رتاز و نعمت فرو رفته‌اند.

هزاران افسوس که ما باید باین قبرست کشورهای نامبرده، نام می‌نمایان. را نیز اضافه کنیم، چه هم‌اکنون هزاران نفر از مردم ما بقیه در صفحه ۶

## جنبش نوین کمونیستی را با مبارزات کارگران و دهقانان ایران پیوند دهید

حمله "تهران اکونومیست" در همین زمان (۱۴ مهر ماه ۱۳۵۳) در ضمن اشاره به اهمیت "سافرت معظّم اله" اثر، برای یوزوزاری کبرادر و صاحبان صنایع متوشتیان چون اتومبیل، دوچرخه، موتورسیکلت و غیره نوشت: "ایران در آینده نزدیک به یک بازار ۸ میلیارد دلاری نیازمند است و از هم‌اکنون باید بسازد بازارهای برویم که متناسب با صادرات آینده ما باشد. چنین بازارهایی قطعاً در قسمتی از آسیا و اقیانوسیه و آمریکای مرکزی و جنوبی و آفریقا وجود دارد. در حالیکه ایران در گذشته تمام سعی و کوشش خود را متوجه کشورهای اروپای غربی و بعضی از کشورهای آسیای از جمله ژاپن نموده بود. "تهران اکونومیست" البته در اینجا نسبت به یک جریا چنین گرایش از گذشته تا به امروز، از صادرات به کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته (مانند اروپای غربی و ژاپن) بسوی صادرات به کشورهای عقب‌مانده آسیا و اقیانوسیه و غیره، لازم شده است و این بازار ۸ میلیارد دلاری واقعاً برای کیست، ولسی در شماره ۱۹ آبانماه ۱۳۵۳ از همین حمله، یعنی تقریباً درست یکسال پیش از سفر اخیر شاه، با اظهارات افشاکر جالبی روبرو می‌شویم: "کشور ما... در سالهای اخیر با ایجاد و توسعه صنایع جدید، خاصه با مشارکت با صنایع و سرمایه‌گذاران خارجی موفق شده بر انواع صادرات خود بیافزاید و به صادرات صنایع و محصولات صنعتی بپردازد... امید این هست که در آینده نزدیک کشور ما از لحاظ صادرات بعضی محصولات صنعتی مانند انواع اتومبیل در این منطقه از جهان جای ممالک اروپائی و آمریکائی را بگیرد زیرا (خوب توجه کنید چرا - زیرا) ممالک صنعتی بزرگ از نظر اقتصادی و صنایع در این دیارند که بعضی از کارخانجات سازنده را بکشور ما منتقل کنند و با مشارکت ایرانیان که نشان داده‌اند همیشه شریکانی مطمئن و قابل اعتماد هستند به تهیه و صدور انواعی چند از کالاهای صنعتی بپردازند. بنابراین شرکتها و کارخانجات ما (که همان "کارخانجات سازنده... منتقل" شده آنها باشند) پیش از گذشته به تهیه بازارهای جدید نیاز دارند تا بتوانند محصولات خود را بسوی این بازارها روانه سازند." (تأکیدات از ماست)

بقیه در صفحه ۶

در این جا باید یاد آور شد، که البته در این کشور ما باید نطفه حساسی در حرکت عمومی جدید امپریالیسم جهانی باشد. سربازان و های امپریالیستی، بورژوازی کشورهای آلمان غربی و انگلیس و ژاپن و غیره و همچنین کشورهای وینویستی و بورژوازی نو خاسته شوروی، نیز در محاسبات سطره جونی، توسعه طلبی های خود وارد کرده اند.

### "بعد اقتصادی دگرگین نیکیون"

نیکیون در گزارش خود به کنگره آمریکا در ۳ مه ۱۹۷۳ در شرح راه و رسم جدید توسعه طلبی امپریالیسم آمریکا، از جمله گفت: "بعد اقتصادی دگرگین نیکیون" "انگا" بخود رشد یافته را برصیت شناخته و اعتماد باید بر یک پایه مطمئن ثابت و مستند اقتصادی مبتنی گردد. ما بدون برای کمک به طلب دوست منابع مالی و فنی را فراهم میکردیم تا در این راستا لطفی از برای اقتصادی دست آنها وارد آید. با مسائل اقتصادی و توسعه اقتصادیشان دست و پنجه نرم کنند. سایر کشورهای صنعتی سهم خود را در ادای این کمک افزایش میدهند. ("بولتن وزارت کشور آمریکا"، ژوئن ۱۹۷۴، ص ۷۲۲) در اینجا معنای "انگا" بخود رشد یافته، به زمان بی برابری بشری اینست که امپریالیستهای آمریکایی باید در کشورهای "دوست"، یعنی در کشورهای که اقتصاد و سیاست و دولتشان در راستی نزدیک به امپریالیسم آمریکاست، در عرصه گسترده تری سرمایه گذاری کنند. در شاخه های گوناگون صنایع و کشاورزی این کشورها رخنه کنند. نارتیکیون از راستی اقتصادی و مالی در رشته های مختلف به سرمایه آمریکایی و به "ترویل" آمریکا پیوست آوردند و در نتیجه، کمتر وسعتی از بورژوازی و ملاکان این کشورها را مستقیما به حفظ صنایع امپریالیسم آمریکا تلبسته گردانند. تا بدینسان بتوانند بر آن "انگا" کنند و "اقتصاد" شان بر یک پایه مطمئن ثابت و مستند اقتصادی، یعنی ثابت و توسعه طلبی امپریالیستی، مبتنی گردد. "کنگهای اینک" کشورهای "دوست" خود را به سکوی اقتصادی امپریالیسم آمریکا تبدیل کنند. بعلاوه، "بعد اقتصادی دگرگین نیکیون"، اینست که سایر کشورهای امپریالیستی نیز در همین سمت حرکت کرده سهم خود را برای ایجاد چنین "شکست" اقتصادی، ای ادا کنند.

ایران - سیکوی برای توسعه نفوذ اقتصادی امپریالیسم انگریز رژیم سرسپرده شاه در راه تحقیق وابستگی اقتصاد - دی کشور ما به امپریالیسم چهار دست و پا در پی اجرای ایسین سیاست نگارانه کام گذاشته و از یک سو درهای بلکت را به روی سرما - یه های امپریالیستی چهار طاق کشوده و از سوی دیگر، به عنوان پایبند از اقتصادی امپریالیسم، راه را از چهارراه ایران به کشور - های اطراف صاف و هموار میکند.

بررسی نشان میدهد که ورود سرمایه های امپریالیستی در طی ششام دوران کودتا دائما افزایش یافته است. و از اوایل سالهای ۱۳۴۰ به بعد، در هر سال از کشورهای امپریالیستی و روزیونیستی، ویژه از آمریکا، مشتاقان و تنوع بیشتری گرفت. لیکن، در طی چند سال اخیر است که تسلیل سرمایه های امپریالیستی به ایران، نسبت به موقعیت اشتراکات و اهمیت صنایع خاص برای امپریالیستها، بسرت جاری میشود. نشانه آن برگزاری دهها کنفرانس نظام سرمایه ایران خارج (چون آمریکا، آلمان، انگلیس، ژاپن و غیره)، ورود دهها و دهها سرمایه های غربی، اقتصادی از کشورهای امپریالیستی و روزیونیستی برای بستن قراردادها و انعقاد امتیازات مختلف، از جمله همکاری های آمریکایی، آلمانی، انگلیسی، ژاپنی، شوروی، فرانسوی، ایتالیایی، چکسلواکی، رومانی، یوگوسلاوی و غیره، افزایش سریع تعداد مؤسسات و شرکت های خارجی و مختلف در زمینه های صنعتی، کشاورزی و حتی "دان" "رشد" زدهای و واردات و صادرات و غیره - در طی سه چهارم دهه اخیر میباشد. فقط بنا بر قرارداد های که مثلا در حق کنفرانس های سرمایه داران ژاپنی (شهریور ۵۱) و آلمان (تی [اردیبهشت ۵۳] سنه شد، به ترتیب سرمایه گذاری به میزان ۲۲۱ و ۱۸۵ میلیارد دلار در ظرف دو سه سال در رشته های گونا - گون پتروشیمی، شیمیایی، برق و وسائل مربوطه، لاستیک سازی، فولاد سازی و غیره، معین گردید. در همین مدت، رشعیات بانک های امپریالیستی (چون بانک آمریکایی "جی بی ماپانان"، بانک های آلمانی "کرمن" و "دوسلدورف" و غیره) برای توسعه روابط شرکت های "ایرانی" یا الحضارات و شرکت های امپریالیستی و راهتانی شرکت های خارجی در امر سرمایه گذاری در ایران یکی پس از دیگری در بهرمان کشوده میشوند. از جمله، برای شتابان ورود سرمایه های غربی - لیستی به ایران در آورده راه ۱۳۵۱) یک مؤسسه مالی بین المللی "بنام" بانک سرمایه داری بین المللی ایران (سبا) در لندن تشکیل میشود. بنا بر جمله "اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران" (آذر ۱۳۵۳) "هدف اساسی آن تأمین این بانک جهت سرمایه های خارجی است. ایران برای اجزای برنامه های عمرانی زیربنایی، توسعه صنایع و معادن، کشاورزی و امور ساختمانی و غیره در بختش دولتی و خصوصی و همچنین توسعه بازرگانی بین المللی ایران مباد - لتند".

هنگامیکه دولت ایران به تغییراتی بسوی تنوع در صادرات خود و افزایش صدور محصولات صنعتی، اشاره کرده آثار غلشی از توسعه استقلال اقتصادی، تبلیغ میکند. خلق را از لزوم عبور از واقع این شکل نوبتی از صادرات کشورهای امپریالیستی است که در شعباتشان در کشور ما صورت میگرد. برای مقابله با "ناسیسیست" لیسم گمراه شده" و در نظر گرفتن باصلاح "فخر حقوق ویژه ملی"، یعنی برای فریب مردم و نام این کشور را بروی محصولات صنایع خود مکن دارند. افزایش این نوع صنایع و تأثیر آن در ترکیب و افزایش صادرات ما، فقط نشاندهنده توسعه بردگی اقتصادی و وابستگی اقتصادی و اشتغال اقتصادی ما، نمونه محصولات این صنایع، مونتاز اتوموبیل ها، شورتک و شیش و منبتی، پوره های مرصن بنفر و غیره است که با نام های فارسی، و ترجمه "ساخت ایران" به بازار عرضه میشوند.

بورژوازی کشورهای امپریالیستی، شکر دالان و شرکتی بود، پس از آنکه بازار کشور را در صنایع حقه کون باز هان راه در ضد حقه کون بازارهای کشورهای طرف برنده و از طریق سجا - ری بازرگانی خارجی، دولتی، ایران به سایر بازارها رسن میکند. و آشکاره شاه و خارجیا نش، این بخش برای توسعه روابط بردگی اقتصاد - دی و وابستگی نواسمخمارن کشورها را بنام نتمن برای توسعه صنایع "شکافیهای اقتصادی"، "تقاضا" اقتصادی و وابستگی اراضیه، به خورد مردم و حسابان میدهند و برای تثبیت و تحکیم این وضع از جیب خود، که محتویات را در یکی گذاشته، طرح "بیزون" میکنند. تلاش کنیزها شاهان برای خلع طرح کد انی تشکیل "بازار

بعد اقتصادی دگرگین نیکیون" و بدینجا در جهت تأمین سرکری و پیشرفت صنعتی الحضارات امپریالیستی آمریکا نیست؛ ولی در همین حال، برای مقابله با خشنهای استقلال طلبانه بی دردی که بر علیه امپریالیسم آمریکا و مکان زیردستی بنا شده، مقاومت در برابر حرکت های واقعی مردم جهت ملی کردن صنایع اقتصادی امپریالیسم آمریکا در کشورهای گوناگون، و برای مبارزه با کونیسم و نیاز بدان می بیند که سایر کشورهای امپریالیستی نیز در حفظ تسلط سلطه امپریالیستی آمریکا شاقی داشته و بنابراین سعی داشته باشند، تا آنکه امپریالیستهای آمریکایی در شرایط تاریخی قدرت رو به اوج مل خود همچنان منافع بین المللی خویش را با برجا نهد - اشته و سطره خویش را بر جهان حفظ کنند (مثلا، و جمع شود به همان گزارش - صفحات اول). سایر کشورهای امپریالیستی نیز به بنا به نیاز بیشتر منافع توسعه طلبانه خویش، اصولا در همین سمت هستند. و برای همین هم هستند که در حفظ "ثبات" و "امنیت" این کشورهای "دوست" بنا آجا که خطر از جانب مردم برود، همه نیروهای امپریالیسم و روزیونیسم بین المللی، مشترک انصافند، و پس از آنجا که هر کدام خیای بی ثباتی بر این سکوها امپریالیستی طلب میکنند و سطره انحصاری خود شان را بی حوصله، رفاقتی حتی خنک و شعارهای گوناگون نیز بر سر نشخار این کشورها حفات ناپذیر است.

مطلب اینست که بورژوازی انحصاری کشورهای امپریالیستی با توجه به تسلط بحران عمومی جهان سرمایه داری، نیاز به گسترش بازار، و تحکم و موقعیت انحصاری خود در بازارهای کشورهای وابسته و تحت مانده و غیره، باز جمله بدین سوگنا پیشرفته کشورهای از صنایع کارخانه های خود را مستقیما در همان کشورها دایر کند. یا این کار هم مایه ارزانی هزینه تولید شده، هم از موانعی مانند نگر کچی و غیره، که در برابر واردات غنیم کالاها در این یا آن کشور موجودی داشت، خلاصی یافته و هم از هزینه حمل و نقل، بیمه و غیره آسیبی بی گشت. بعلاوه، رجانین ساختن واردات محصول بیک کشور معین یا تولید و فروش آن محصولات در همان کشور برای بور - ژوازی انحصاری کشورهای امپریالیستی، موقعیت انحصاری عظیم تر و قدرت رقابتی بیشتری را فراهم کرده و همچنین بسط بازار فروش را به کشورهای اطراف در هر منطقه با صوفه تر و همچنین آسانتر می - گرداند. فضلا ابتکار از صادرات از خود کشورهای امپریالیستی نگا - شته، بلکه برای صدور بیگشته از کالاها، سرمایه ای، بنیام ساخته و غیره بازار وسیع تر هم فراهم میگرداند. همین دلیل، بویژه در طی سالهای ۱۹۶۰ و پس از آن، همراه با تشکیل صنایع استخراجی برای صادرات مواد خام به کشورهای "مرویل" (که از گذشته وجود میداشت) بر تشکیل و توسعه صنایع کارخانه های یا کارخانه های تولید کننده محصولات مصرفی در این کشورها، برای فروش در همان بازار محلی و بسط آن به اطراف، تاکید گذاشته اند. در همین دوره هم هست که طرح های اقتصادی - سیاسی امپریالیستی، اصلاحات ارضی و غیره در بسیاری از این کشورها، از جمله در ایران، پدیده گردید. تئوریزه شدن این حرکت در مقالت متعدد دی، بد - ستندور سرمایه داران، صاحب نظران بورژوازی انحصاری مثلا ام - ریکا، مانتد، ناید راگفلر، انحصارگر معروف نفتی و صاحب بانک معروف "جی بی ماپانان" ("معنای مستقل خصوصی برای امر - یگای لان چیست؟" - مجله "فورن افیز"، آوریل ۱۱) میتواند مشاهده شود.

این توسعه طلبی و هجوم سرمایه امپریالیستی، ز کدر زمینه های مختلف صنایع و کشاورزی صورت گرفته و سببه آنرا در تعداد فزاینده ای از کشورهای وابسته آسیا، آفریقا و امریکای لان میتوان مشاهده کرد. همان چیزی است که امپریالیستها معمولا کتب به ستوم ساختن "اقتصاد این کشورها و صنعتی کردن آنها" بخورد مردم میدهند و طبقات حاکم و درویدسته های خود فروخته دست نشانده این کشورهای نیز از آن بعنوان "توسعه اقتصادی"، "اشیا" بخود و غیره قلمداد میکنند و رشد بردگی اقتصادی و توسعه استثمار امپریالیستی را در آن کشور خود، بعنوان "در حال رشد"، و "توسعه" بودن کشور خود، بنا میکنند.

بنظر همین حرکت در ایران بوجود آمدن بزرگشته صنایع تولیدی، یا مثلا صنایع نساجی، لکریکی و غیره است، که در واقع اینه و شاخه های از صنایع مربوطه در کشورهای امپریالیستی بود و بسا "انگا" به سرمایه خارجی بوجود آمده اند. در این باره، در یکی از رسالات تحقیقی غرب در باره ایران "بنام" "توسعه اقتصادی ایران" (ر ای، لونی) میخوانیم که تا اواخر سالهای ۱۹۶۰ واردات گروه بندی صنایع جدید و صنایع سنتی که بوجود آمده، موسسات متعلق به گروه بندی اول "بطور فته تازه واردین هستند". و این تازه واردین هم "غالبا تحلیل به خارجی ها میباشد" ("سیر ۱۱۱) بنا به گزارش دولتی ایران، که بر تالی از جمود ۱۱۶ سرمایه گذاران و شرکت امپریالیستی از ۴۴ کشور مختلف، یا اواخر سال ۱۳۴۹ صحبت شده، سرمایه های امپریالیستی (مربو) "بحر صنعت نسو (شیمی) برتری در صنایع داروسازی، شیمیایی و مصالح ساختمانی، مواد غذایی، اتومبیل سازی، ماشین سازی، نسجه و ساخت و اداره هتل و صنایع پلاستیک سازی تمرکز یافته اند. فضلا بر ترتیب سرمایه های امریکایی، آلمان غربی، انگلیسی و فرانسوی از اجزاء میزان و حجم سرمایه گذاری در دیگران، قدم داشته اند" ("اظهارات - یک دیدگاه ۱۳۴۹).

در سه چهارم دهه اخیر، امپریالیستهای امریکایی و هم - چنین سایرین، بتاکید و اهمیت بیشتر، را به سرمایه داری خود در ایران، بزرگتر توسعه طلبی خود بر شکر دانند. اما که توسعه اقتصادی کشور ما، بویژه از آن موقعی استرتیجی آن را کساخت قرار گرفتن در شاخه های تازه اروپا، آسیا و آفریقا، و از جمله اهمیت استراتژیکی نظامی آن از دیدگاه امپریالیسم، همراه با تجدید حویتی سنتی و همیاد کونیسم و مد حربا با آزاد موهومی و اشتغال طلبی در ایران و در منطقه، به اجزای کشورهای امریکایی تاند کرد. است که همین جا کیکه ناه مناسب و منشی برای ادایم به پیشبرد نفوذ اقتصادی خود، توسعه لشی خود بر سایر کشورهای این خطه از عالم در جهات مختلف میتواند باشد. بدین معنی است، "بسیار اقتصادی دگرگین نیکیون" است. آسور که بخواهد باید با پسیم.









شونه کارگردستی ... مانند یک شاخه خسته نیستید و انتخاب شدن خود را در اثر حق شناسی کارگران افغانستان قلمه اند کرده اند که زهی بشری!

الحق که رژیم مناسب ترین فرد را برای مقاصد ضد کارگری خود بنی انتخاب کرده است... اینان تمام صفات لازم را دارند... میخصیصیت و پست به اعلا ترین درجه خودش و تمام اینها را در این موزه خود خلاصه میکند:

هرگز حاضر نیستیم که لغت شریف کارگری از رومی حذف شود من در عالم خود مغانی که سرشار از محبت و صفا و عشق به کارگران زحمتکش و عشق به سپه و شاه و سجده به درگاه پروردگار برای بقا سلطان نظامیان محمد رضا شاه پهلوی و استقلال وطن عزیزهستم... برای واقعیت چنان غیر قابل انکار است که این خود فروخته با تمام گوشه برای ریونی و چاپلوسی موفق به انکار کاملش نمیکرد...

اینان میگویند: بطور خلاصه صدی هفتاد کارگران افغانستان نابینا از انقلاب بوده کارفرمایان برآه میانداختند و کارشان بپزه کشی از کارگران این بود که شسته قبل از انقلاب سفید... برای آن درگز این مرد را جرات گفتن واقفیتات ده ساله اخیر حکومت محمدرضاهای نیست... برای اشاره به واقفیتات ده ساله او رژیم کارگرکار اجازه داده شده است... برای همین است که میبینید کارفرمایان متوجه شده است که دیگر نمیتوان کارگر را استثمار نمود... امروزه متوجه شده اند که اندر بیست و شش ماهه میباید... برای اینکه شونده را از جنین چرند بیات و درونگویی بی اندوه بریشان نگاهند... میبینید که همه هنوز در افغانستان هستند کارفرمایان یک افکارشان کینه است ولی اطمینان دارم بیدریخ متوجه میشوند... و اما بنسبند از شرایط واقعی کار و زندگی کارگران افغانستان از دهان جنین بسور خود فروختهای که درجه حقیقتگویی و چاپلوسی اثر را میتوان حد در... بزرگترین تشنگی کارگران افغانستان مسکن استم... اصفاهان صدها صدها هزار نفر کارگر کار میکنند و نود درصد آنها بدون مسکن بی باشند... ماهیت و مدها و دستنروشان ناشایستی سرور ایشان را هم ملاحظه کنید... در شرایطی نامندگانی کارگران افغانستان آریا مهربان تاخین مسکن کارگران اواز مژگانی صادر فرمودند... باید برای مسکن کارگران بر پایه ریزی دقیق شود... کارفرمایان افغانستان برای ناخن خنده های سازمانی اقدام نموده اند... دیگر بشنوید... مسکن دیگر کارگران افغانستان مسائل کارگران صورت و خدمات میباشند... این کارگران از مزایای مترقی قوانین کار و بیمه های اجتماعی کشر بهره میبرند... کارفرمایان... کارگران صنوف پراکنده هستند... بیایگاه آنها سازمان کارگران افغانستان است... (وزارت انسانی همین است)

خبرنگار بنویسد: حرف آخر آقای مظهری انجام خواسته کارگران ایران در مورد تجدید نظر در قانون بیمه های اجتماعی بود... مظهری گفت در مورد این قانون از همکاری های ارتنه در حساب آقای معینی وزیر کار و امور اجتماعی و کلیه اعضا و کمیسیون کار تشکر دارم و میخواهد که هم خواسته کارگران ایران به بازبینی و معالجه آنها خواهد بود که هر روز صدها ماه از کارگران بازبسته بدست من میرسد... (نقل از مجله کارگران - ارقام سازمان کارگران ایران و وابسته به حزب ایران نوین - خرداد ۵۳)

اینست نامه به برگزیده رژیم بختاب کارگران و اینست شرای یکی که کارگران دارند... اینان رژیم مطلق طبقات خاکه با این رژیم دست نشانده امپریالیسم پیش از این انتظار نیست... وقت آنست که طبقه کارگر این محتاج ترین طبقه به آزادیهای سیاسی آزادی اجتماعی... برای سزگویی قهری حکومت طبقات در قدرت آغاز کند... این اولین گام در جهت هدف است...

در اوج و بویژه خانواده های دهقانی ایران در بی خانمانی و گرسنگی و فقر نزدیک به مرگ دست و پا میزنند... حکومت خائن محمدرضا شاه و بلندگوین خود فروخته و حیره خواری شروع میکنند... نهانجا مردم ما را از این من گرسنگی و فقر غمگین که جهان را فرا گرفته میرا میسرند... جارجیان محمدرضاه در سطح جهانی و مطابق بین المللی... چینین ندا در دادماند که مردم ایران از گر... سنی و کفر دگی که جهان را فرا گرفته میراست و برای توجیه دروغ برد انبهای خود یک مشت آمار و ارقام در مورد کشاورزی ایران و غیره از کبیه بیرون آورده و از بسبود وضع زندگی مردم ما قهه های بهم بافته اند... در گذشت بین المللی عدالتی که اخیرا در در برقرار شده و نماینده ایران شیدا نه وضع زندگی تیره و تاریک ما را که کبر یک مشت درباری قانیست متخویر و نارنگر افتادماند... بنویس سرا بسا غیر واقعی تصویر میکند...

ولی افزایش سریع تعداد گرسنگان در ایران و گسترش قحطی زندگی در روستاهای ما که سه سال متوالی است ادامه داشته و اسال بدتر از سال گذشته شد... تقاطعی نظیر شرق ایران... بودماند و اصلاح هم باز... آمد و در نتیجه... حمله کارنانشاهان و خراسان بیخانمان نبود... ماه ۱۳۵۳... اسال بقدری به زرافت برخی از نقاط شرق و به روستائیان خسارت وارد کرد که باید گفت ایگانی خشکسالی بازم ادامه پیدا میکند... یعنی وضع حتی بدتر از قحطی سالهای گذشته شده است... بیخانمان شدن روستائیان و انقلاب عدالتی از ایشان کر... دیده است...

علت این شیوع قحطی زندگی و گرسنگی مردم زحمتکش روستا... های ایران... خود بلندگوین رژیم مایه... همان است که قحطی زندگی و گرسنگی و تلف شدن میلیونها تن از مردم جهان را در سالهای اخیر و بویژه اسال باعث شده است... کساروی ایران اقتدر عقب مانده است که همیشه جبروت تسلیم قضا و قدر تسلیم تغییرات جوی باشد... تنها بقدر دارو دست خود... احصارات بین المللی است... کتانی ایرانی کاری نیست... دولت توزیع غله تا پیشانی مستقیم حکومت محمدرضاه... تست میرند... عدالتی و فقر تشدید اند... درازای و ثروت ملی مردم ایرانی را بیخاطر لیبو و لعب یک مشت انگل درباری تلف میکند... میلیونها تومان در میریزند... جراتی خود و راهزنان بین المللی میکنند... که همانم شعلی مردم ایران است و باید صرف رفاه خلق ما و دهقانان بشود... در ارتقا و آبرنگ برای گت به بودند کشورهای امپریالیستی مانند انگلیس و ایثالی و برای تقویت سلطه سیاسی و اقتصادی یک مشت ارتعافی در کشورهای دیگر مانند هند و پاکستان و غیره صرف میکنند... و اسرائیل خرج میکنند که تا بعد از آنها بر سر خلقهای برخاسته خلق فارس باشند... فقر زده و گرسنه ایران را با گلوله پاسخ دهند...

ولی بدتر از همه درهت کمی و برخورد سیرمانه و وقیح جارجیان دست آموز و دست پروران حکومت فاسد پهلوی به میلیونها مردم قحطی زده و در شرف مرگ جهان و ایران است که از فزای پستی و زالت و طرز فکر جنگیزی و محفد علی شاهی آنها را بازگو میکند... نامه اطلاعات نزد یکرین ارکان مطبوعاتی به دربار و دولت ایران... در شماره ۱۸ آبانماه اسال خود در نوشته ای که بنام یکی از دست پروردگانش تهیه کرده... میلیون مردم دنیا و بویژه مردم آفریقا را به استیزا و سخره میکند و بنویسد که مردم میخواهند از بی عدالتی و گرسنگی آسوده شوند... بیخانمان آفریقا و جاهای دیگر اینست که خانه هایشان آمیزخانه ندارد... زیاده... اش... درن سیری بدتر از درن گرسنگی است... و دنیا... شگلمان نیزنگ... مطبوعات محمدرضاهای به گرسنگی و فقر زندگی میلیونها مردم دنیا و همچنین مردم کشورها و بزحور لجن آلود جارجیان حکومتی کمنونه ایشان را در عصر بیشرترین و زرق ترین شاهان گذشته ایران نیز نتوان یافته نساد و زبان درازی بی بند و بار و مز زشتی که حتی کتب هرزه آموزشی بدست ترین و مفتض ترین کتابی که بر جامعه ما سلطه خود را تحمیل کرده اند...

اینی پستی و زوال اتفاقی نیست... و سرسربرد همین ارکان مطبوعاتی حکومت ایران ظاهر شده است... این دیدگاه و طرز فکر طبقات حاکم ایران بهیبت خاکه ایران و دربار ایران است... همانها نیک چند سال پیش هنگامی که مردم جنوب و شرق

در برای قحطی بسر برده و دست و دستم از بی عدالتی میبردند و از برط گرسنگی بجه هایشان را میفروختند از هتل های فرانسه برای شکم جراتی خورد و عیاشی ۲۰۰ ساله عدای خسته قاشش را به با هوا بینا وارد میکردند و روزنامه های خود رژیم این کار را بعنوان مهربان تواری برح مردم میگذشتند... وحدانشان (ضرفام) در و سال پیش به مردم زلزله زده فارس که از بی عدالتی و بی دقایی جان میگذشتند... خوستان اول سلمانی بیاید سرشان را اصلاح کند... شهبانو... از... ای انسان بی اختیار بیاید... میافند که با حسن افاده جویی... به مردم که با نان طلب میگرددند... نمیخوردند... تجربه اتان نشان داد که نان تنها با نابودی شاهان... ازگان... باسخی که مردم باید به مسبین فقر خود... ردالت بخرج میدهند و تحویل دهند...

درمانند نفست

از اعمال خود میتوانستند انتظار داشته باشند... فرانسه... است... از بحرانی که ضایع آنها را فراگرفته شناخته اند... کردند... ۱/۴ میلیارد دلار آن... آینده مایه فرزند...

رژیم شاه در هنگامی درآمد نفت را به کار میدهند و بانک ها و مؤسسات امپریالیستی تحویل میدهد که بحران گراتی و کمبود غذا و غیره بیشتر از گذشته بلای جان مردم ما شده و در روستاهای فارس... نفت رزم در برابر این وضع این بوده که با بخش تقسیم دیگری از درآمد نفت سفرات خرید اسلحه بیشتر به امپریالیستی آمریکایی صادر تا نارواستی های مردم ما را با گلوله پاسخ دهد... ان که تهدید کننده بناط حاکمیت ارتجاع و امپریالیسم در کشور ما است و کولولو و ترور فانیستی است... میبرسد... مردم ایران... نوشن ندارند... می فرمایند... ما نمی توانستیم مبلغ بیشتری صرف بساوان کردن یا هدفهای دیگر احتضای یکیمه زیرا در درجه اول ما... هم داشت و بیمارستانهای ما فاقد پزشک و پرستار با اندازه کافی خواهند بود...

بنا به این منطقی جلالتشانه محمدرضاهای قدان آموز... کار و پزشک و پرستار باید یا خرید اسلحه بزرگ و بیسیادی و بی دقایی مردم ما باید با گلوله پاسخ گفت... اگر پزشک نداریم که بیمارمان را مداوا کند... را بکشید... حیانت جدید شاه در زمینه نفت بار دیگر نقش بایگارانها و نغرفه افغانه او را در سازمان اویک... بی استسهای امپریالیستی و انگلیسی و احصارات نفتی در این سازمانده و ضد صفات همین نیست مگر به نغرفه کمین آن و تبدیل آن به دنیا... تنها حیاتی است به مردم ایران بلکه چون خنجر است که از پشت بر حناق کامبش شرقی درون اوپک وارد شده است... شاه از صفوف خود کاری اساسی نخواهند توانست کرد...

رفقانی جین در مقاله ای زیر عنوان... نفقی چه نبخته است... اشاره به بازگشت لارهای نفی از پاره ای از کشورهای عضو سازمان اویک... بقیه در صفحه ۸

درآمد نیست. و غیره برده از کردار خائنانه درود بسته محمد - رضاشاه برداشته می‌شوند. در بررسی مسئله "دل‌راهی نفتی" همچنین باید به جنبه اقتصادی خود توجه کرد. یعنی که هدف از این نفت تنها کشورهای پیشرفته غرب نیستند که می‌خواهند چیزی را که در یک جا از دست داده‌اند در جای دیگر بازیافت کنند. آنها می‌گویند: "با دلارهای نفتی" مگنتگی که بدست آوردند ذخیره ارزی نسبی شده خود را بزرگ کنند و بر دشواریهای کمتری خود غلبه کنند. دیگر آنکه آنها می‌خواهند در جهان سوم بازار پولی در زیر نفوذ خود تثبیت باز کنند. تا بتوانند سرمایه‌های کشورهای تولید کننده نفت را بیوسه کنترل کرده و انحصار اقتصادی خود را در جهان برپا بکنند. این عبارت دیگر حرکت دولت ایران برای بر کردن کاوش نفتی - های ارزی دول امریکالیستی و کمک به انحصارات سرمایه‌داران غرب در بحران کمونی خدست بزرگی به هدف ابرقدرت‌ها و سایر کشور - های امریکالیستی غرب، و بویژه ابرقدرت آمریکا و متحدانش می‌باشد. و درست دولت ایران است که برای ارضای کامل امریکالیسم بتشکیل بازار پولی در زیر نفوذ آنها در کشور ما دست زده و در سایر کشورهای نیز به تبلیغ آن می‌پردازد. برای مثال در "تهران اکونومیست" (۱۹۰ مرداد ماه ۱۳۵۳) می‌خوانیم که: "موافقت با امریکائیکها درباره تشکیل یک مؤسسه کارگزارانی پول و اوراق بهادار ... در برنامه اجراء می‌آید ... و بعد به همین بلندگویی بورژوازی کبریا در وادیسته ایران در توضیح ابعادی که این خیانت است تازه خواهد گرفت از "برنامه نیل ایران نسوی یکی از مراکز مهم مالی جهان" که "با وجود مؤسسه‌های مشترک بین ایران و سایر کشورهای منطقه ملازمه دارد" صحبت میکند. یعنی از همان تشکیل یک بازار پولی در زیر نفوذ امریکالیستها در کشور ما.

خیانت جدید رژیم محمدرضاشاه در زمینه نفت دنباله و جزئی انفکاک ناپذیری از سلسله خیانت‌هایی است که شاه و درود ستان در تمامی دوران کوتاه و بویژه در طی سالهای اخیر، مرتکب شده‌اند. ابتدا، رژیم خود انحصارات نفتی امریکائی و انگلیسی روی کار آورده بودند. تمامی صنایع ملی شده نفت ایران را در دستار تحویل این انحصارات داد. قراردادهای اسلاتر با کسرسیموم را بست. سپس هر منطقه تازه‌ای را که در آن نفت کشف می‌شد و یا احتمال کشف آن می‌رفت، در طی قراردادهای اسلاتر جدیدی بدست امضا می‌کردند امریکائی و اروپائی و زاپین سیر و بدینسان بجز امتیاز کسرسیموم نه امتیاز دیگری به انحصارات امریکالیستها داد تا صنایع طبیعی خلق ما را غارت کنند و در کشور ما سلطه اقتصادی و سیاسی خود را بگسترانند. سپس تفرقه افکنی و کارجاق کشی برای امریکالیستهای امریکائی و انگلیسی در "اوپک" آغاز شد و زرد بند معروف به "گفترانس تهران" جهت شکوفاندن اختراع در مصفوف اوپک و فشار آوردن بر کشورهای چون لیبی، مبنه ظهور رسید. آنگاه در زیر شعار جعلی "ملی کردن" نفت در پس جنجال‌های از هیئت‌گیری و عوام‌فریبی، قراردادهای اسلاتر با کسرسیموم را برای مدت ۲۰ سال در قبال رشوه تازه‌ای تجدید کرد. شاید آنه بدون جنجال و بنام "ملی کردن" نفت "می‌شد" و البته هیچ کار را هم (بجز روزی‌روزیست‌ها) نتوانستند به نبال خود کنند. حتی از اعتراضاتی که گاه از دهان خود سخن‌گویان رژیم بریده و بر ملا می‌کردند. مثلاً: "هیچگاه هنگام تشریح لایحه باصلاح" نفت ملی شده "در مجلس قالی شورا" در ۲۸ خرداد ۱۳۵۲ از جمله گفت که لایحه جدید تجدید نظری در روابط ایران با کسرسیموم بر اساسی جدید است. و آنچه تجدید نظری "گفته‌اند" نتوانستند در اختیار جهان امریکالیستی به مرفق "استدلال" مشتاقانه در آغوش کشیدند! (رجوع شود به "تهران اکونومیست" ۶ مرداد ۱۳۵۲)

و اما در همان حال که شاه به شیوه پدر خائستش به بسته تمدید قرارداد کسرسیموم پرداخت، از تفرقه افکنی و خرابکاری در "اوپک" و بویژه در کشورهای عربی تولید کننده نفت دست نکشید. پس از جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ میان اعراب و اسرائیل هنگامیکه کشورهای عربی صدور نفت را به یک‌دفعه قطع کردند اسرائیل کاهش دادند. محمد رضاشاه فوراً با آن به مخالفت برخاست و صدور نفت را به کشورهای امریکالیستی و اسرائیل افزود. و نعره - کیشان خطاب به کشورهای عربی (مثلاً در مصاحبه با جله "الحوادث" در لبنان در همان موقع) گفت: "چرا قطع نفت و کاهش تولید آنرا ادامه می‌دهید؟ ... چرا کسانی را که در اروپا پشتیبان شما هستند کفر می‌دهید؟ مثلاً زاین جزا سوارا کاهش (۲۰ درصد) تولید ملی خود شود؟" "این سلاح" یعنی سلاح نفت "را بر زمین بگذارید" ... در همان هنگام نیز از اقدامات ریاکارانه امریکالیسم آمریکا، زیر عنوان اینکه "امریکا چند اوضاع منطقه را درک کرد" به پشتیبانی برخاسته و اعراب را بدینسان به حمایت از امریکالیستهای امریکائی فراخواند: "اکنون اوضاع تغییر یافته است و امریکائیکها در حال حاضر می‌دانند چه می‌خواهند و ما باید آنها را برای اقداماتی که انجام کردند تشویق کنیم." ("اطلاعات"

در همان زمان و در افشای نقش خیانتکارانه رژیم شاه در بحران نفت و مبارزه اعراب بر علیه اسرائیل و پشتیبانی از رفقای آلبانی در قلماعای زیر عنوان "درباره بحران خاورمیانه" نوشتند: "حمله آنها تکیه در ارضاع و احوال کمونی، بنحوی از انحاء" و بهرند بهانه‌های امریکالیستی عربی برای کارگردارن سلاح نفت فتنسار می‌آورند، چنانکه شاه ایران اکنون میکند. یا از فتنه انگیزان و عمال مستقیم امریکالیستهای امریکائی اند یا بازی آنها را می‌کنند."

(آلمانی امروز" شماره ۶، نوامبر - دسامبر ۱۹۷۳ - ص ۳۸)

ولی رژیم شاه برای آنکه نقش فتنه انگیزی و هیجان‌زنگی خود را با نفع امریکالیستهای امریکائی بازم بهتر ایفا کند در همان زمان نخستین از نیم بیرون کشید هجوم پائیزی خود را بر علیه انقلاب عساکر، انقلاب در یک کشور عربی، که بقول خود محمد رضاشاه جریان نفت را به کشورهای امریکالیستی شهید میکند. آغاز کرد. تجاوز شاه به عمان و هجوم پائیزی آن همه با مسئله نفت، با مسئله حفظ منافع انحصارات نفتی در خلیج فارس و مکره خورده است. هنگامیکه خبرنگار جله "نیوز ویک" در مه ۱۹۷۳ از شاه پرسید: "خطرهائی عهده که ممکن است عرضه نفت در در غرب بر آید تهدید کند، آنطور که شما آن را امکان اینکه برخی از زرتشتیان آنطرف خلیج ممکن است توسط افراتیون و فعالیتهای خرابکارانه‌ای که هم اکنون جریان دارند سرنگون شوند، شورش طغیان در عمان را بکنند. ... من نتوانم فعالیتهای خرابکارانه" یعنی نیرد ضد استعمار مردم را، تحمل کنم". بخوارت دیگر شاه خود هم انحصار دارد که دستگیرش انحصارات نفتی در منطقه است و برای حفظ منافع آنها حتی حاضر به تجاوز و دخالت جزئی نظامی هم می‌باشد. فرستادن دلارهای نفتی به کشورهای امریکالیستی و غیره آخرین خیانت رژیم شاه در زمینه خیانت‌های بیانی آن در زمینه نفت هم نبوده و این خیانت‌ها همچنان ادامه خواهد یافت. چنانکه همین اواخر ناشره امریکالیسم آمریکا "رژیم شاه بهای نفت را ۱/۷۷ دلار کاهش داد و هم اکنون در عدد تحمل آن بر سایر کشورهای عضو "اوپک" و تفرقه افکنی و خرابکاری است. "هستان افزایش قبلی قیمت نفت هم که رژیم شاه آنقدر در بارش می‌باشد و راه انداخته و با زورمند و تمامی‌های خائنانه نفت برده با امریکالیستهای امریکائی و انگلیسی همراه بود. در همان "سن موریتس" که سلسله تجدید نظری در قرارداد کسرسیموم مطرح شد. شاه قول داد که پول‌های اضافی بدست آمده را به طرق مختلف برایشان بازرس خواهد فرستاد. مثلاً "کمیسیون هوایی در ۲۰ بهمن ۱۳۵۲ نوشت: "موضوع اضافی وام یک میلیارد دلار ایران به انگلیس" یعنی برگشت بخشی از دلارهای نفتی به انگلیس. در ترفیاسی اخیر در وزیر کابینه انگلیس به حضور شاهنشاه در سن موریتس مطرح شده بود: "همچنین تجدید ۲۰ - ۲۰٪ درآمد علاوه نفت به اسلحه امریکائی و انگلیسی نشان می‌دهد که افزایش درآمد رژیم از بابت نفت راهی برای افزایش قدرت خرید رژیم از زرادخانه‌های این کشورها و تسلیح محمد رضاشاه برای اجرای نقش ژاندارمی اش در منطقه خلیج و افغانستان هند بوده است. مثلاً در نوشته‌های بنام "اسلحه در خلیج فارس" که از جمله از تسلیح رژیم شاه بدست امریکائیکها و مقدار و دامنه آن صحبت شده و دست کم بدینصورت مایه که: "امکان دارد تسلیح ایران بوسیله واشنگتن بعضاً مسئول حرکت شاه باشد. زیرا اگر او قرار است هم برنامه‌های توسعه داخلی و هم ساختمان یک نیروی نظامی مدرن و نوین را ادامه دهد، به پول بیشتری نیازمند است و افزایش درآمد نفت بدینسان یکی از منابع است. در واقع افزایش اخیر بهای نفت دست کم بعضاً از نیاز او برای ادامه خرید تجهیزات نظامی مایه می‌گردد." (ص ۲۹ - ۲۸ و سال ۱۹۷۲ - تا آنگاه از ماست) به زبان ساده، رژیم با امریکالیستهای امریکائی برای اجرای نقش ژاندارمی در منطقه حفظ و خراست منافع همان انحصارات نفتی در خلیج و غیره به پول بیشتری نیاز دارند تا تا آن بشود سیاست تسلیحاتی رنگه شده آمریکا را در ایران پیش برد.

چنین است ماهیت خیانت‌آمیز اقدامات و اغراض ارجاعی رژیم محمد رضاشاه در زمینه نفت در ایران و خاورمیانه. اقداماتی که ثابت شده و باز هم ثابت خواهد شد با منافع امریکالیسم آمریکا و متحدانش، با منافع انحصارات نفتی، بی‌بند داشته و در خدمت مستقیم آنهاست.

**توجه**

جزوه زیر به تازگی انتشار یافته است: کسرسیموم به خودروستی (درباره مضمون سیاسی "سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور")

مدافعان بر دگسی ... در بیشتر از گذشته عزیز دلبختان و درباریان ایران گردانند، فقط برای آنکه اینبار تمام و کمال خود را به حمله ارجاع ایران رسانند. شمارهای تند و تیزشان فقط روزگاری است بر اغراض واقعی آنها فقط کوششی است برای دست و پا کردن تکیه‌گاهی در جنبش ما. تا آن زمان بهانه‌های مصالحه‌پایا بهتر گوئیم، بهانه‌های محلی برای ولت یان شده شود جویند، همین و بس!

**نشریات کمونیست**

- در زیر فهرست جزوات و کتابهایی که تا کنون توسط ما انتشار یافته اعلام می‌گردد. مترجم ترجمه دیگری از جزوه "صدر ما عویشی" است که پیشتر توسط "باختر امروز" انتشار یافته بوده. به‌استثنا توسط ما چاپ و بخش شده است. امیدواریم از این دوباره کاربیا دیگر در جنبش ما روی ندهد. رفا و دوستیانی که خواستار دریافت جزوات یا کتابهایی از ما می‌باشند می‌توانند با ارسال قبض پرداخت پول آنها را از راه پست دریافت کنند.
- در عین حال از همه گروهها و سازمانهای انقلابی و رفا و دوستان خود در خارج تقاضا داریم که در فرستادن این جزوات و کتابها به ایران به‌وسیله ممکن گاه به ما یاری رسانند.
- ۱- مقاله از ماژوسه دون "تکلیف در ارزیابی وضع کمونی بین‌المللی" و "درباره سیاست" ۰/۰۰۰ ۰/۵۰ مارک آلمانی
  - ۲- جنبش کارگری ایران (تاریخچه و بررسی مختصر)
  - ۳- مارکسیست - لنینیستها و مضمون چریکی
  - ۴- آنچه در برابر ماست ... ۰/۰۰۰ ۰/۲
  - ۵- آوانتوریزم انقلابی - از و. ای. لنین
  - ۶- مارکسیسم و مسائل زبان شناسی - از ای. استالین
  - ۷- درباره جنبش دانشجویان و جوانان - برگزیده‌های از آثار لنین، استالین و ماژوسه دون، با ترجمه و تفسیر و کیم ایل - سوئ و کمیشن
  - ۸- آثار منتخبه لنینیست - در چهار جلد ... هر جلد ۰/۲
  - ۹- مسائل لنینیسم (آثار منتخبه استالین) - در دو جلد ... هر جلد ۰/۱
  - ۱۰- درباره اقتصادها - از و. ای. لنین
  - ۱۱- صدر ما هوستن بین ۰/۰۰۰ ۰/۵۰
  - ۱۲- مواج بحران و سیاستهای اقتصادی دولت
  - ۱۳- آوانتوریزم یا سوسیالیسم - از ای. استالین
  - ۱۴- مسائل امریکالیسم شوروی در خاورمیانه ۰/۰۰۰ ۰/۲
  - ۱۵- گرسن به خودروستی (درباره مضمون سیاسی سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور)

I. T. L.  
P. O. BOX 1148  
8200 AARHUS, N.  
DENMARK

نشانی پستی ما:

Salah  
ACCOUNT NO. 51030/65978-9  
CASH BANK

شماره حساب ما:

Salah  
ACCOUNT NO. 51030/65978-9  
CASH BANK











# بحران پولی و ارزی

پدید آمده می‌کند. در چند ساله اخیر مرتباً به دردم آشفنگی جهان سرمایه‌داری دامن زد و از جمله خود مایه تسخیر و تشدید فشارهای تروم بر اقتصاد سرمایه‌داری جهانی گردیده و بحران مزمن و ادامه یافته پولی و ارزی است. بحران پولی سالهای اخیر که اساساً به‌گرم موقعیت دلار آمریکا می‌چرخد، شاید مهمترین رخداد اقتصادی در نظام‌های سرمایه‌داری بوده و در نتیجه از جنگ دوم جهانی تا پیش از این، بحران پولی و در درجه اول بحران دلار آمریکایی، تظاهراتی است از تغییراتی که در تناسب نیرو در میان کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته غرب پدید آمده است. هرچند که این تغییرات در تعیین منافع اقتصادی نیروهای گوناگون آمریکا - لیستی و همچنین خود عاملی است که به تناقضات و تضادهای درون تمام اردوگاه امپریالیسم و رقیبیت و ارتجاع جهانی دامن زده است. در همین حال بحران پولی و تغییرات مرکز در ارزش پول و ارز کشورهای مختلف بازتابیست از پدید آمدن دوران تازه‌ای از جنگ اقتصاد - بی میان کشورهای امپریالیستی و تلاطمی است که در این کشورها برای بدست آوردن بازارهای جدید یا چنگ زدن به بازارهای موجود از دست دیگر بزرگ قدرتی حفظ یا کسب مناطق نفوذ و گسترش سیطره اقتصادی و سیاسی خود ورزیده.

همه ثبات نسبی تناسبات ارزی و پرداخت‌های بین‌المللی جهان امپریالیستی از زمان جنگ دوم جهانی به بعد به‌گرم پشتوانه قوی دلار و قابل تعویض بودن دلار با طلا می‌گردد. این ثبات نسبی در طول سالهای اخیر و به ویژه پس از اتخاذ "سیاست اقتصادی جدید" از طرف دولت نیکسون و اقدام فوق‌العاده مبنی بر جلوگیری از تبدیل دلار به طلا در اوت ۱۹۷۱، به بی‌ثباتی بدل گشت. نتیجه مستقیم این وضع پدید آمدن دوران تازه‌ای از جنگ پولی همراه با جنگ بازگشتی، چنانچه ریشه‌های بین‌المللی و رقابتی اقتصادی و سیاسی کشورهای امپریالیستی بودند که همچنان شدت یافته و جبهه امریالیسم و نظام جهانی را به دردم آشفنگی قوی می‌افکند.

در این میان بین‌المللی جهان سرمایه‌داری از زمان جنگ دوم جهانی در زیر سیطره قدرت اقتصادی امپریالیسم آمریکا قرار گرفت. در دوران پیش از جنگ دوم جهانی، یونید انگلیس همراه با دلار آمریکا قوی‌ترین پول‌های جهان سرمایه‌داری به‌شمار می‌آمدند و سرمایه‌داری در آن و بانکهای کشورهای مختلف این پول‌ها به اندازه طلا قبول داشته بر آنها تکیه میکردند. لیکن در دوران جنگ و انگلستان همراه با سایر کشورهای سرمایه‌داری شدت در جاز فقر و ضعف گشت و در نتیجه امپریالیسم آمریکا بود که با قدرت اقتصادی قابل توجهی که از قول در جنگ جهانی بهم زده بود، توانا نشین عظیمی که از قول ضعف و بد هنگامی سایر کشورهای امپریالیستی در طی این دوران برهم انباشته بود، از جنگ دوم نیرومندتر بنظر می‌آمد. همه کشورهای امپریالیستی از این پس برای تجدید ساختار قدرت اقتصادی در دردم گرفته شدند. ما نشان بخاطر بد هنگامی‌های خود به آمریکا که در دوران جنگ برهم انباشته شده بود، ولی همچنین بخاطر طمع ساختن جنبشهای کارگری و مقابله و تکیه بر ملیه کمونیسم به قدرت اقتصادی و مالی امپریالیسم آمریکا متکی گشتند. تا سال ۱۹۴۹، ذخیره طلای آمریکا که در اثنای جنگ جهانی از دست رفت و بدینا از سوی کشورهای دیگر و غیره به داخل آمریکا سرانجام شده بود، بالغ بر ۲۶۰۰ میلیون دلار گردیده بود که ۷۳٪ در دست ذخیره طلای مجموعه جهان سرمایه‌داری را تشکیل میداد. این ذخیره به‌شبه پشتوانه محکمی برای دلار آمریکایی و متکی بقدرت اقتصادی نسبی سرمایه‌داری این کشور و ضعف سایر نیروهای امریالیستی بود. برای این امر نیز با ذخیره عظیم طلای آمریکا و قدرت اقتصادی در این کشور، بحران پولی و ارزی که در اثنای جنگ جهانی دوم در گرفتاری که برای تدارک تأمین صندوق بین‌المللی پول سرگردانی آمریکا به‌منابه ذخیره پولی قابل تسخیر بر وضعیت شناخته شده و تمام پول‌های رایج کشورهای دیگر امپریالیستی نسبت به دلار منجمد شده بودند، این بدین معنی است که در حالیکه دلار آمریکایی به طلا بند شده، سایر پول‌ها به دلار بند شدند. یعنی نرخ برابری و ارزش ارزی آنها نسبت به دلار تعیین شده و تنها از طریق دلار به طلا بند شدند. براین پایه، نرخ برابری دلار با طلا به ازای هر انس طلا برابر با ۳۵ دلار مقرر شد. معنی گردید و نرخ برابری سایر ارزها نیز بنا بر پشتوانه طلاشان نسبت به دلار آمریکا تعیین شدند. صفات اجرائی اینکار نیز بر این پایه بود که دلار آمریکایی همیشه از طریق مجاری بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف، فوراً با طلا تعویض شده و اعتبار به این امر نیز با ذخیره عظیم طلای آمریکا و قدرت اقتصادی در این کشور گشته بود.

در گذر شش دهه قبل از جنگ جهانی اول، چنین روابطی در

# اقتصاد جهانی بسوی بحران

برجسته‌ترین پدیده در اوضاع آشفته اقتصادی جهان، تشدید تروم و ضعف انباشته قیمت‌ها در همه کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری کشورهای وابسته در آسیا و آفریقا و آمریکا لاتین و حتی کشورهای روستاییست - که البته فعلاً بروی خود انباشت آورده نمی‌باشد.

تروم تغییرات نرخ تروم در طی یکسال نتیجه اخیر در همه ترین کشورهای سرمایه‌داری از رشد دائمی و سریع قیمت‌ها در همه این کشورها حکایت میکند. جدول زیر که ارقام آن از مجلات گوناگون نقل شده، نشان میدهد که وضع در سال جاری گاه در برابر خرابتر از وضع سال گذشته شده است.

کشور	اکتبر ۱۹۷۲	اوایل ۱۹۷۳
ایالات متحده	۷/۹	۱۲
آلمان غربی	۶/۱	۷/۶
ژاپن	۱۴/۴	۲۰
انگلستان	۹/۹	۲۰
فرانسه	۸/۱	۹/۷
ایتالیا	۱۱	۲۱

کشورهایی چون انگلستان و ایتالیا که از نرخ ۲۰ هم با فراتر گذارند، بناً نتیجه به ناهنجاری وضع عمومی اقتصاد نشان می‌دهد. اکنون تقریباً نردغان این بین از سقوط کامل اقتصادی بتر می‌رسند. همچنین سایر کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته در اروپا و آفریقا و آسیا کانادا، بهین سیز فرایند قیمت‌ها گرفتار آمده‌اند. کشورهای اسکندیناوی هم "از علامت مزمن تروم انباشته رنج می‌کشند" (تویزیک ۲۵ مارس ۷۲) و بنا بر همین منبع نرخ تروم در استرالیا، تا پایان سال گذشته اطراف ۲۳ بوده و برای سال جاری بیشتر از ۱۵٪ انتظار می‌رود. کشورهای چین استرالیا، ایرلند و کانادا نیز در همین درجه قرار گرفته‌اند. برتغال انگاتا از ۲۵ هم عبور کرده و میان درای نرخیش نیز ۳۰ است.

در واقع تروم عمومی که ریشه آن در جزئیگی رشد اقتصاد سرمایه‌داری تشنه و بی‌بازه دراز شدن عدم تعادل اجزای ناخالص میان بخش صنایع و کشاورزی و عرضه مواد خام در سالهای اخیر پدید آمده توسط سیاست‌های اقتصادی دولت‌های بورژوازی همین کشورهای نیز دامن زده شده است. در طی سالهای اخیر همه کشورهای سرمایه‌داری برای مقابله با بحران‌های اقتصادی خود و ایجاد با اصطلاح "روشی" در اقتصاد خود، مکرراً به گسترش وسیع اعتبارات و کاهش نرخ بهره، افزایش هزینه‌های دولتی، بی‌بازه در زمینه نظامی همراه با حفظ و ادامه کسری بودجه و مانند آن مبادرت ورزیدند. برای نمونه کسری مالی ایالات متحده در طی چهار سال مالی ۱۹۷۳ - ۱۹۷۰، به رقم ۶۷۰۰ میلیون دلار رسید. دولت آمریکا برای رفع کسری عظیم خود، مصلحتاً دست به انتشار وسیع اسکناس و بسته بورس‌گردان در قرضه‌های دولتی زد. به بدینسان حجم پول رایج شدت افزایش یافت. فقط در طی شش ماهه اول سال ۱۹۷۳، هفتصد میلیارد حجم پول رایج در این کشور به رفتن بیش از هشت ماهه اول سال‌های پیش از جنگ یعنی به رقم ۱۰۰٪ رسید. تا این ارقام صندوق بین‌المللی پول و حجم پول در طی سال ۱۹۷۲ حتی آهنگ رشد بیشتری یافت (۱۱٪ نسبت قبل) و حال بعدتر همچنان به افزایش خود ادامه داد. در طی همین دوره حجم پول در ژاپن و فرانسه، آلمان غربی و انگلستان به ترتیب ۷۴٪، ۷۴٪، ۱۵٪، ۱۳٪ و ۱۳٪ افزایش یافت. سیاست تروم نامیزه و بی‌بازه با گسترش اعتبارات مصرفی برای بیشتر قوت‌ورتن کالاها مصرفی (که در حقیقت نوعی افزایش پول رایج است)، به حرکت صعودی قیمت‌ها شدت دامن زد.

گرایش صعودی قیمت‌ها چنان است که بهای عمده فروشی کالاها نسبت به بهای خرده فروشی آنها با سرعت بیشتری افزایش یافته و بهای مواد غذایی و مواد خام عموماً دارای بیشترین آهنگ رشد است. برای نمونه، بهای هر پارچه گندم در ایالات متحده، که از اواخر دهه ۱۹۷۲ افزایش گندم در جهان است، از ۱/۷ دلار در ژوئیه ۱۹۷۲ به ۱/۴ دلار در اوت ۱۹۷۳، یعنی به سه برابر سال گذشته خود رسید. افزایش سریع بهای گندم، به ویژه در اثر کاهش شدید تولید کشاورزی در بخش اروپا و نیز در اثر ۲۸ میلیون تن واردات از آمریکا و کانادا توسط شوروی، به‌جورند آمد؛ و این اوضاع و احوال، بگرمه به افزایش سریع بهای این محصول در بازار جهان پیوسته است. همین امر باعث می‌شود که بهای همه کالاها و مواد غذایی بیشتر ثابت و تا اتم با افزایش خود ادامه دهد؛ چه مواد غذایی و مواد خام با وارد شدن در جریان تولید کالای دیگر بعنوان اجزای متشکله یا مواد کمکی و حتی برای تولید کالاها،

مناسبات ارزی میان کشورهای بات‌نشده بود. در آلمان طلا مستقیماً بهای پول در گذشتن، چه در بازار داخلی و چه در بازار خارجی، همه کارهای پول را انجام میداد، یعنی خوب وسیله برز داشت، انباشت و تبادل و غیره بود، طلای در گذشتن خود سامان دهنده و تعیین کننده خود بخودی گردش پول و میزان پول مورد احتیاج اقتصاد و غیره بود. لیکن، این نظام پولی - یا اصطلاح "نظام کلاسیک" - به تدریج در داخل کشور و سپس در بازار جهانی برچیده شد و از پس از جنگ جهانی اول و با آغاز بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی، طلا کاملاً عطل کرد. گذشته خود از دست داد و بجای آن با ثبات نرین ارزهای کشورهای سرمایه‌داری که باستانی با طلا قابل تعویض بودند، دیگر افتادند. بدینسان پول یکدیگر از کشورهای مستقیم به پول کشور دیگر متکی شد. همچنانکه پس از جنگ دوم جهانی، تمام نظام ارزی و پولی سرمایه‌داری جهانی به دلار آمریکایی متکی گردید.

در چنین شرایطی و ذخیره دلار کشورهای مختلف که دارای برابری مقطعی با طلا بود، به پشتوانه طلای آمریکایی متکی است. به‌شبه جانشینی برای طلا بحساب می‌آید. لیکن در چنین حال، این ذخیره دلار در کشورهای دیگر به معنای آنست که آمریکا نیلن یا بهمان مقدار (بنا بر مقدار دلار ذخیره شده) طلا به این کشورها بد هکار است، مقداری که به ازای هر انس طلا ۳۵ دلار مقرر گشته است. حال اگر بد هکار به معنی آمریکا نتواند بدهی خود را با طلا با اصطلاح واریز کند، آنگاه ما بحران روبرو هستیم. اگر بد هکار بقصد پرداخت بدهی خود، مجبور شود که نرخ برابری دلار با طلا را کاهش دهد، آنگاه از کشور با تضعیف دلار آمریکایی و در نتیجه شدن اعتماد به آن و از سوی دیگر باطل شدن بخشی از ذخیره کشورهای دیگر روبرو هستیم - یعنی اکنون ذخیره دلار این کشورها کمتر می‌آید. باز اگر بد هکار از پرداخت بدهی خود بگریزد، مستطاب خود را به ازای دلار باطل می‌کند. بلکه مناسبات ارزی کشورهای بی‌ثبات می‌گردد. در اینجا هرگاه خطر کاهش ارزش دلار بی‌ثباتی آن، و یا یابین آمدن ارزش آن نسبت به ارزهای دیگر که نسبتاً وضع محکمتری گرفته‌اند، پیش می‌آید، فوراً هجوم سرمایه‌داری که دلار قابل توجهی را در دست دارند برای تبدیل دلار به ارزهای دیگر بوقوع می‌پیوندد. با اصطلاح در بازارهای پول جهانی، غوغا یا توفان می‌شود.

تجسین و مهمترین نشانه‌های دهنده قدرت یا ضعف پولی یک کشور، وضع تراز پرداخت‌های آن کشور است. هنگامیکه در لسی بیش از آنکه برآمد بدست می‌آورد خرج کند، آنگاه مجبور است که کسری تراز پرداخت‌های خود را با پشتوانه ارزی خود ببرد. حال اگر دولت آمریکا با چنین وضعی روبرو شود و کسری خود را با طلا ببرد، آنگاه از ذخیره طلای خود و بنا بر این از زیر پای دلار خود عمل کاسته است، و اگر با آنکه به قابل تسخیر بودن دلار خود و استحکام سیطره دلار در بازار جهانی و بدینسان آن به‌منابه پشتوانه پولی و با انتشار دلار بیشتر این کسری را ببرد، آنگاه عملاً طلای بیشتری به کشورهای دیگر بدهکار است. ولی اگر کسری تراز پرداخت‌های میزانی برسد که انتشار دلار بیش از پشتوانه‌اش باشد، آنگاه با تروم روبرو هستیم، یعنی دلاری انتشار یافته جدید بی ارزش بوده و در نتیجه ارزش مجموعه دلارهای انتشار یافته و در با همسار دیگر ارزش یک دلار کمتر از ارزش سابق خود می‌گردد. در اینجا بانکهای کشورهای دیگر هنگامیکه مجبور شوند انداخته دلار دیگران را با پول خود تعویض کنند، یا باید این دلارها را نسبتاً بغیث مقطعی که میدارند تعویض کنند. در نتیجه زیان ببینند، چون دلار دیگر آن قیمت سابق را ندارد، و با آنکه از خرید دلار اشتناکی نمایند، و یا پول خود را تا قیمت به دلار (یعنی از نرخ مقطوع برابری با دلار) آزاد کرده و آنرا تابع جرم در معوض و نقاضی بازار پول و همچنین بازار آزاد طلا گردانند. یعنی با اصطلاح "شمار" کنند. این توضیحات بطور کلی عمل رویدادهای گوناگون پولی و ارزی سالهای اخیر را در خطوط صرفاً اقتصادی خود روشن می‌گرداند.

دوران پس از جنگ دوم جهانی که دوران سرگردانی و سیطره امپریالیسم آمریکا در جهان سرمایه‌داری و در همین حال سرگردانی و سیطره آن در بازار بین‌المللی بود، است. همچنین سرگردانی است که به تدریج قدرت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم آمریکا و همراه با آن قدرت پولی و قوت دلار آمریکا تضعیف شده است. یکی از نتایج جنگ‌های تجارگرانه پیایی امپریالیسم آمریکا، گسترش تلب‌السود تسلط‌حالی و کمک مالی و نظمی به عمال سرگرد خود، هزینه‌های فزاینده برای حفظ بیش از ۲۰۰ پایگاه و یک میلیون سرباز در خارج از مرزهای خود، همراه با پرداخت‌های مربوط به واردات کالا و غیره، بهم خوردن تراز پرداخت‌های این کشور، سیر صعودی کسری آن و خروج فزاینده ذخیره طلای این کشور به سایر کشورهای برده است. از سوی دیگر رشد قدرت اقتصادی سایر کشورهای امپریالیستی و افزایش چشم‌آنان در تولید جهان سرمایه‌داری و صادرات جهانی و غیره که بازتاب و نتیجه عملکرد قانون رشد ناموزن سرمایه‌داری

در گذر شش دهه قبل از جنگ جهانی اول، چنین روابطی در

بقيه در صفحه ۱۱